

## فلسفه فقه

اشاره: نشست علمی مکتب شناسی فقهی از سلسله نشست‌های گروه فلسفه فقه است که به همت پژوهشکده فقه و حقوق در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی با حضور دو تن از اندیشوران و صاحب‌نظران حوزه علمیه قم: حجت الاسلام مهدی شب زنده‌دار و حجت الاسلام احمد مبلغی (رئیس پژوهشگاه)، و با شرکت جمعی از فضلا و روحانیان حوزه علمیه قم برگزار شد. در این نشست صاحب‌نظران به مباحثی در مورد تعریف، شاخصه‌های مکتب، فواید شناسایی و آسیب‌های ناشی از عدم شناسایی مکاتب، برخی فقیهان صاحب مکتب و پاسخ‌گوترین مکتب در زمان حاضر پرداختند و در پایان نشست، به پرسش‌ها، پاسخ داده شد.

## طرح موضوع

دبیر علمی جلسه، حجت الاسلام ضیائی فر، در آغاز به توضیح فلسفه فقه پرداخت و آن را علمی دانست که درباره دانش فقه از نظر مبانی، منابع، روش ها، گرایش ها، اهداف، موضوع و... بحث می کند. یکی از جنبه هایی که در بررسی علم فقه مدنظر است، شناخت اختلاف دیدگاه ها و گرایش ها در این رشته علمی است که به برخی از این اختلاف دیدگاه ها، «مکتب» گفته می شود. وی در توضیح اجمالی معنای مکتب گفت که به هرگونه اختلاف نظری در درون یک علم مکتب نمی گویند؛ چرا که صاحب نظران در هر رشته علمی اختلاف نظرهای فراوانی دارند و بنابراین مکتب هرگونه اختلاف در یک رشته علمی باشد، ما باید به تعداد صاحب نظران در هر رشته مکتب داشته باشیم و این خلاف ذوق و ارتکاز است، بلکه مکتب اختلاف نظر خاصی است که در این نشست درباره چگونگی این اختلاف گفتگو می شود. لذا اولین پرسش این است که مکتب چیست؟

## تعریف مکتب

آقای شب زنده دار در تعریف مکتب گفت: مکتب گرایش هایی است که در یک رشته علمی بر محور مقومات یک علم به وجود می آید و به عبارت دیگر، مکتب، وضعی است برای اختلافات و شعب یک علم که بالطبع با مقومات علم سر و کار دارد. و مقومات علم عبارت اند از: موضوع، مسائل و مبادی به صورت قطعی - و اغراض بنا بر یک قول - البته به شرط اینکه اختلاف در آثار پدید بیاورد.

آقای میلغی مکتب را پدیده ای نوظهور و پیچیده ذکر کرد که به تحلیل و بررسی فراوان نیاز دارد و به عقیده وی، مکتب به ظهور رسیدن کارکرد یکسان و

قابل تکرار یک یا چند نظریه ممتاز در محیط استنباط نسبت به موارد مختلف است از حیث تأثیرگذاری بر قیاس استنباطی، تطبیق استنباطی و یا چپش فعالیت‌های استنباطی همراه با برجای گذاردن ثمرات فقهی متمایز.

### شاخصه های مکتب

در ادامه، رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی برخی از شاخصه های مکتب را چنین برشمرد: ۱. تعدد پذیری دیدگاهی و قابلیت چند دیدگاه پذیری، بدین معنا که مکاتب همیشه پیرامون مباحثی به وجود می آیند که بدیهی نباشند و چندین نظر درباره آنها باشد؛ ۲. دیدگاه در حد نظریه باشد. به عبارت دیگر، تعدد دیدگاه‌هایی منجر به ایجاد مکتب می شوند که تبدیل به نظریه شوند. بنابراین هر تفاوت دیدگاهی مکتب ساز نیست؛ ۳. ترتب ثمره متمایز بر نظریه؛ ۴. برخورداری از عنصر کمیت در یکی از دو ناحیه نتایج و نظریه؛ ۵. یکسانی و همسانی ثمرات مترتب بر نظریه در موارد مختلف.

ایشان در توضیح عنصر کمیت به عنوان یکی از قیود لازم در شکل‌گیری مکتب اظهار داشت: تحقق کمیت در ناحیه نتایج به معنای ترتب یافتن ثمره بر نظریه در موارد متعدد است و کمیت در ناحیه نظری به این معناست که دانشمند علم، که صاحب مکتب می‌شود، بیش از یک نظریه را در محیط علم ابداع کند و چند نظریه او همگی از مبنای واحدی نشئت بگیرد، خواه خود او به این مبنای نهفته در ورای نظریاتش تصریح کرده باشد و یا دیگران آن را کشف کرده باشند. وی افزود: نظریه باید تأثیر و نتایج فراوان و یکسانی در یک علم به وجود آورد. این تأثیر، هم در مرحله استنباط می‌تواند باشد و هم در مرحله فتوا دادن. آقای مبلغی تصریح کرد: لازم نیست که مکتب حتماً ظهور و بروز داشته باشد، بلکه ممکن است مکتبی وجود داشته باشد، ولی به عللی، آشکار نشده باشد.

حجت الاسلام شب زنده‌دار، استاد حوزه علمیه قم، نیز گفت: اختلافاتی

که آثار چشم گیر کمی و کیفی در یک بخش یا بخش هایی از یک علم دارند، مکتب سازند. وی عدم حجیت عقل به عنوان یکی از مبادی فقه در نزد اخباریان را از جمله اختلافاتی دانست که به خاطر تأثیر چشم گیرش باعث تمایز میان این گروه و اصولیان شده است. همچنین عدم حجیت قرآن بدون تفسیر اهل بیت (ع) و معتبر ندانستن اجماع از ناحیه اخباری ها تأثیر فراوانی در فقه داشته است. ایشان در ادامه، اعتقاد و عدم اعتقاد به اصل استصحاب در میان اصولیان را هم از مسائلی برشمرد که باعث اختلافات بسیاری میان فقهای اصولی و منجر به ایجاد مکاتب مختلف شده است.

#### اهمیت شناسایی مکاتب

در اینکه شناخت مکاتب فقهی امری ضروری یا غیر ضروری است، میان این دو صاحب نظر حوزوی تا حدودی اختلاف نظر وجود داشت. حجت الاسلام شب زنده دار، عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ابراز داشت: مکتب چیز نفس الامری و قابل کشف نیست، بلکه قراردادی است و ما آن را اعتبار می کنیم. درباره اهمیت شناخت مکاتب فقهی گفت: برخی شناخت مکاتب فقهی را فضل شمرده، آن را لازم نمی دانند و از این رو، شناسایی مکاتب را تضييع وقت می دانند و می گویند مهم این است که عبد به «قطع» به عنوان حجت در برابر خدا برسد و اصلاً مهم نیست که این قطع از کدام مکاتب و یا از کجا می آید، اما گروهی دیگر معتقدند ممکن است در سخنان مکتب های دیگر، سخن حقی باشد که باعث تغییر نظر ما شود؛ از این رو، آشنایی با مکاتب فقهی برای فقیه ضروری است.

آقای شب زنده دار تصریح کرد: اما به اعتقاد من در اینجا دو مقام است: مقام پاسخ گویی در برابر شارع و مقام پیشرفت علم، و روشن است که کارکرد آشنایی با مکاتب فقهی در مقام پیشرفت علم است، نه در مقام رسیدن به قطع و

حجت در برابر شارع، و در مقامی که فقیه می‌خواهد بین خود و خدا حجت داشته باشد، آشنایی با مکاتب ضرورتی ندارد؛ زیرا ممکن است برای فقیه حجتی قطعی پیدا شود که در این صورت دیگر نیازی به مراجعه به مکاتب دیگر نیست و حتی فقها جایز دانسته‌اند که فقیه مثلاً در بحث اجتماع امر و نهی از مجتهد دیگری تقلید کند و سپس آن را در بحث‌های فقهی خودش به کار ببندد. عضو جامعه مدرسین افزود: با شناخت مکاتب و برجسته کردن نقاط ضعف و قوت آنها، در حقیقت از اشتباهات جلوگیری و بسیاری از مشکلات رفع می‌شود.

حجت الاسلام مبلغی نیز شناخت مکاتب فقهی را امر ضروری دانست و گفت: به عقیده من شناخت مکاتب فقهی، افزون بر اینکه برای هموار کردن راه دیگران و پیشرفت علم فقه ضروری است، کارکردهای مؤثری در دو مرحله آموزش اجتهاد، و مرحله عملیات اجتهاد و استنباط حکم از سوی فقیه نیز دارد.

### آسیب‌های عدم شناسایی مکاتب

آقای مبلغی آسیب‌های ناشی از عدم شناسایی مکاتب را این‌گونه برشمرد:

۱. اگرچه در اجتهاد، تلاش فقیه معطوف به حجت است، ولی آشنا نبودن با مکاتب فقهی گاهی باعث شتاب‌زدگی در رسیدن به حجت شرعی یا پشت سر نهادن حلقه‌های مفقود در رسیدن به آن می‌شود.

۲. ایشان یکی از آثار منفی ناآشنایی با مکاتب را مخفی ماندن بعضی نظریه‌ها همانند نظریه آیت الله بروجردی دانست و خاطر نشان کرد: این نظریه می‌تواند تأثیر فراوانی در نتایج استنباط داشته باشد و هنوز هم تقریباً در همه درس‌های خارج فقه، به علت نبود مکتب‌شناسی فقهی، نظریه آیت الله بروجردی مورد توجه قرار نگرفته است.

۳. وی گفت: اگر مکتب‌شناسی و مکتب‌سازی در فقه صورت بگیرد،

اجتهادهای تقلیدی به جای اجتهادهای حقیقی رواج خواهد یافت، بدین صورت که فقدان مکتب شناسی، به کندی روند مکتب سازی منجر، و این کندی هم سبب گسترش اجتهاد تقلیدی می شود.

### فقیهان صاحب مکتب

حجت الاسلام مبلغی، آیت الله وحید بهبهانی را از جمله صاحبان مکتب اصولی دانست که دیدگاه اصولی او منجر به ایجاد مکتب فقهی نیز شده است. وی همچنین شیخ جعفر کاشف الغطاء، مقدس اردبیلی، صاحب جواهر، شهید صدر و حضرت امام خمینی (ره) را نیز از جمله صاحبان مکاتب فقهی برشمرد.

حجت الاسلام شب زنده دار نیز اخباری گری و اصولی گری را دو مکتب فقهی دانست که هر کدام در دوره هایی بر حوزه های علمیه سلطه داشته اند و هر یک از آنها نیز به مکاتب دیگری تقسیم شده اند. وی همچنین مکتب سامرا، مکتب نجف و مکتب کربلا را نیز مکاتب منشعب از اصولی گری خواند که به خاطر اختلاف در مبانی اصولی بنیان گذاران آنها به وجود آمده اند.

### پاسخ گوترین مکتب در زمان حاضر

حجت الاسلام مبلغی، مکتب امام خمینی (ره) را به خاطر برخورداری از نوآوری های روشی ویژه معطوف به زمان، پاسخ گوتر از مکاتب دیگر در زمان حاضر ارزیابی کرد و در عین حال گفت: هر مکتبی فوایدی دارد و در بخشی از فقه، باعث رفع مشکلاتی می شود.

در پایان نشست، صاحب نظران به پرسش های حاضران در جلسه پاسخ گفتند.